



Enhancing Cognitive Literacy in Islamic Societies to Counter the Enemies' Soft Warfare: Analysis of Civilization-Building Patterns in the Age of Cyberspace

Sajjad Farhang^{1✉} | Vahid Ghanbari²

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Management, Imam Ali University. Tehran, Iran (**Corresponding Author**). Email: Farhangsajjad@yahoo.com
2. Assistant Professor of Educational Psychology, Department of Social Sciences, Faculty of Management, Imam Ali University. Tehran, Iran Email: Ghanbarivahid1252@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

20 August 2025

Received in revised form

03 October 2025

Accepted

05 November 2025

Published online

20 January 2026

Keywords:

Cognitive warfare, Islamic societies, soft warfare, cognitive literacy, cyberspace

ABSTRACT

Objective: This study explores the emerging role of advanced language models within the framework of cognitive warfare and analyzes their sociocultural and intellectual effects on Islamic civilization. The research seeks to understand how language technologies influence perception, belief formation, and civilizational identity in the modern digital era.

Methodology: Using a qualitative research approach, the study employs content analysis of credible academic sources and conducts in-depth interviews with scholars specializing in Islamic sciences and technological ethics. This combination ensures a comprehensive understanding of both technical and ideological dimensions.

Findings: The findings reveal that language models have become effective instruments of cognitive warfare, utilized in targeted content production, distortion of religious terminology, and surveillance of public discourse across digital platforms. Moreover, the Islamic world faces considerable challenges, including dependency on foreign technologies, insufficiency in developing indigenous models, and exposure to cultural and religious vulnerabilities amplified by algorithmic influence.

Conclusion: The study proposes strategic responses such as developing Islamic language models grounded in indigenous epistemology, implementing intelligent systems for content analysis and monitoring, fostering specialized media literacy among scholars and citizens, and establishing transnational institutions for ethical oversight. Ultimately, the research argues that a fundamental transformation in the Islamic world's approach to language technologies is essential to convert current threats into drivers of civilizational growth and renewal.

Cite this article: Farhang, Sajjad., Ghanbari, Vahid. (2026). Enhancing Cognitive Literacy in Islamic Societies to Counter the Enemies' Soft Warfare: Analysis of Civilization-Building Patterns in the Age of Cyberspace. *Warfare Study Quarterly*, 26 (7), 49-80.

DOI: 10.22034/qjws.2026.2081513.1326



© The Author(s)

Publisher: Command and Staff University

DOI: 10.22034/qjws.2026.2081513.1326



تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان: تحلیل الگوهای تمدن‌ساز در عصر فضای مجازی

سجاد فرهنگ^۱ | وحید قنبری^۲

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه افسری امام علی (ع). تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Farhangsajjad@yahoo.com

۲. استادیار روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه افسری امام علی (ع). تهران، ایران.

Ghanbarivahid1252@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	هدف: این پژوهش با هدف تبیین تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. شناسایی مکانیسم‌های جنگ شناختی در عصر فضای مجازی و ارائه الگوهای تمدن‌ساز اسلامی برای خنثی‌سازی آن‌ها مورد تأکید است.
مقاله پژوهشی	روش: داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی (شامل متون اسلامی، راهبردهای دشمنان، و تجربیات کشورهای اسلامی) گردآوری و تحلیل محتوای کیفی انجام شد.
تاریخ دریافت:	یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که دشمنان با ابزارهایی مانند تحریف مفاهیم دینی، تولید محتوای گمراه‌کننده مبتنی بر هوش مصنوعی و هدف‌گیری نخبگان، به دنبال تضعیف هویت تمدنی اسلام هستند. در مقابل، تمدن نوین اسلامی با تکیه بر سواد شناختی (ترکیب آگاهی انتقادی، دانش رسانه‌ای، و بینش دینی) می‌تواند با راهبردهایی مانند توسعه مدارس فکری مقاومتی، تولید محتوای هوشمند و طراحی نظام آموزشی مبتنی بر تفکر نقادانه با جنگ شناختی دشمنان مقابله کنند.
تاریخ بازنگری:	نتیجه‌گیری: نتیجه کلیدی پژوهش، ارائه مدل حکمرانی شناختی اسلامی در سه سطح فردی، نهادی و فراملی است که بر اساس آن، نهادهای حوزوی، دانشگاهی و رسانه‌ای با همکاری یکدیگر می‌توانند جامعه را در برابر تهاجمات شناختی مصون‌سازی کنند. این مطالعه از جهت ترکیب نظریه‌های شناختی با انگاره‌های تمدنی اسلام و نیز ارائه راه کارهای عملیاتی، گامی نوین در ادبیات موضوع محسوب می‌شود.
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها:	
جنگ شناختی، جوامع اسلامی، جنگ نرم، سواد شناختی، فضای مجازی	

استناد: فرهنگ، سجاد؛ قنبری، وحید؛ (۱۴۰۴). تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان:

تحلیل الگوهای تمدن‌ساز در عصر فضای مجازی. فصلنامه مطالعات جنگ، ۲۶ (۷)، ۸۰-۴۹.

DOI: 10.22034/qjws.2026.2081513.1326

ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

© نویسندگان.



مقدمه

در عصر حاضر، فضای مجازی به عرصه‌ای حیاتی برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شده است (رحمانپور، ۱۴۰۲: ۴۵). این فضا، با وجود فرصت‌های بی‌شماری که برای پیشرفت و ارتباطات فراهم کرده، به میدانی برای جنگ نرم و تهاجم شناختی دشمنان جوامع اسلامی نیز بدل گشته است (سلطانی، ۱۴۰۱: ۱۲). دشمنان با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال، به تحریف مفاهیم دینی، تخریب هویت تمدنی مسلمانان و تضعیف باورهای اصیل اسلامی می‌پردازند (غفاری و موسوی، ۱۴۰۰: ۷۸). این جنگ شناختی، اگرچه نامرئی است، تأثیراتی عمیق و ماندگار بر افکار عمومی، به‌ویژه نسل جوان، بر جای می‌گذارد (کاظمی، ۱۳۹۹: ۵۶).

در این میان، سواد شناختی به عنوان سپری دفاعی در برابر این تهاجمات مطرح می‌شود (معمودی، ۱۴۰۱: ۳۲). سواد شناختی، که ترکیبی از آگاهی انتقادی، دانش رسانه‌ای و بینش دینی است، به افراد و جوامع کمک می‌کند تا محتوای القایی دشمن را شناسایی، تحلیل و خنثی کنند (نجفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۲). اما پرسش اصلی این است که جوامع اسلامی چگونه می‌توانند با تقویت سواد شناختی، در برابر این جنگ نرم مقاومت کنند و الگوهای تمدن‌ساز خود را احیا نمایند؟ همچنین، این پژوهش به دنبال پاسخ به سوالات فرعی زیر است:

(۱) مکانیسم‌های جنگ شناختی دشمنان در فضای مجازی چیست؟

(۲) الگوهای تمدن‌ساز اسلامی چگونه می‌توانند سواد شناختی را تقویت کنند؟

(۳) راهبردهای عملیاتی برای مقابله با جنگ نرم در جوامع اسلامی کدامند؟
اهداف این پژوهش شامل موارد زیر است:

(۱) تبیین راهبردهای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی.

(۲) شناسایی ابزارها و روش‌های جنگ نرم دشمنان در عصر فضای مجازی.

(۳) طراحی مدل حکمرانی شناختی اسلامی در سطوح فردی، نهادی و فراملی.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات اسنادی (شامل متون اسلامی، راهبردهای دشمنان و تجربیات کشورهای اسلامی) و تحلیل محتوای کیفی، به دنبال دستیابی به اهداف فوق است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تمدن نوین

اسلامی می‌تواند با تکیه بر مکانیسم‌هایی مانند توسعه مدارس فکری مقاومتی، تولید محتوای هوشمند و طراحی نظام آموزشی مبتنی بر تفکر نقادانه، در برابر این تهدیدات ایستادگی کند (محمدی، ۱۴۰۱: ۹۱). همچنین، مدل حکمرانی شناختی اسلامی در سه سطح فردی، نهادی و فراملی ارائه می‌شود که در آن نهادهای حوزوی، دانشگاهی و رسانه‌ای با همکاری یکدیگر، جامعه را در برابر تهاجمات شناختی مصون می‌سازند (یزدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

این مطالعه از آن جهت حائز اهمیت است که با تلفیق نظریه‌های شناختی و الگوهای تمدنی اسلام، چارچوبی نوین برای مقابله با جنگ نرم طراحی می‌کند (حسینی، ۱۳۹۸: ۶۷). امید است نتایج این پژوهش، گامی مؤثر در جهت ارتقای سواد شناختی جوامع اسلامی و تقویت مقاومت فرهنگی- تمدنی آنان باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

در عصر حاضر، جنگ‌های شناختی به پارادایم مسلط در منازعات بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این پژوهش با اتکا به نظریه‌های اسلامی و دستاوردهای علوم شناختی، به تدوین چارچوبی نظام‌مند برای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی می‌پردازد. به همین منظور ضروری مبانی نظری و مفاهیم پایه‌ای مرتبط با موضوع مقاله تبیین و تشریح شود.

سواد شناختی و مؤلفه‌های آن

سواد شناختی به عنوان یک ظرفیت چندبعدی و پیچیده، توانایی فرد را در پردازش عمیق و هوشمندانه اطلاعات، تشخیص تحریفات و خطاهای فکری، تولید محتوای هدفمند و تحلیل دقیق گفتمان‌ها و پیام‌های رسانه‌ای توصیف می‌کند. این مفهوم فراتر از مهارت‌های پایه‌ای خواندن و نوشتن است و شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، رسانه‌ای و دینی می‌شود که فرد را در مواجهه با پیچیدگی‌های دنیای معاصر توانمند می‌سازد. به بیان دیگر، سواد شناختی به فرد کمک می‌کند تا نه تنها اطلاعات را دریافت کند، بلکه آن‌ها را به صورت انتقادی و تحلیلی بررسی کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خود به کار گیرد (اختیاری، ۱۳۸۴، یونسکو، ۲۰۲۳). این تعریف با رویکردهای

نوبین آموزشی و شناختی همسو است که سواد را به عنوان توانایی خلق معنا و تحلیل انتقادی در زمینه‌های مختلف می‌دانند و تأکید می‌کنند که سواد باید فرد را برای مشارکت فعال و مؤثر در جامعه آماده کند (پیروزران و فاضلی، ۱۳۷۶). ابعاد و مؤلفه‌های سواد شناختی عبارتند از:

بعد شناختی

بعد شناختی، هسته اصلی سواد شناختی را تشکیل می‌دهد و شامل مهارت‌های ذهنی و فکری است که فرد را قادر می‌سازد اطلاعات را به صورت عمیق و دقیق تحلیل کند: تفکر انتقادی: این مهارت شامل توانایی بررسی دقیق و عمیق اطلاعات، پرسشگری درباره صحت و اعتبار داده‌ها و استدلال‌ها، و تشخیص نقاط قوت و ضعف استدلال‌ها است. تفکر انتقادی به فرد کمک می‌کند تا از پذیرش ساده و بدون تحلیل اطلاعات جلوگیری کند و به دنبال شواهد و دلایل منطقی باشد. این مهارت نقش کلیدی در مقابله با اطلاعات نادرست و تحریف‌شده دارد و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های آگاهانه است (اختیاری، ۱۳۸۴).

مهارت استدلال: استدلال منطقی به فرد امکان می‌دهد تا روابط بین مفاهیم را تحلیل کند، تناقض‌ها را شناسایی نماید و به استنتاج‌های منطقی و مستدل برسد. این مهارت در حل مسائل پیچیده و اتخاذ تصمیمات دقیق بسیار مؤثر است و پایه‌ای برای تفکر علمی و پژوهشی محسوب می‌شود (پیروزران و فاضلی، ۱۳۷۶).
توانایی حل مسئله: این توانایی شامل شناسایی دقیق مسائل، تحلیل عوامل مؤثر و یافتن راه‌حل‌های مناسب و خلاقانه است. حل مسئله به فرد کمک می‌کند در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات روزمره و حرفه‌ای، تصمیمات هوشمندانه و مؤثر اتخاذ کند و از روش‌های نوآورانه بهره‌بردار (اختیاری، ۱۳۸۴).

بعد رسانه‌ای

در عصر دیجیتال، بعد رسانه‌ای سواد شناختی اهمیت ویژه‌ای یافته است و شامل مهارت‌های مرتبط با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال می‌شود:
• سواد دیجیتال: توانایی استفاده مؤثر، ایمن و اخلاقی از ابزارها و فناوری‌های دیجیتال مانند اینترنت، نرم‌افزارها، شبکه‌های اجتماعی و دستگاه‌های هوشمند است. این مهارت

شامل شناخت تهدیدات دیجیتال، حفظ امنیت اطلاعات و مدیریت حریم خصوصی نیز می‌شود. سواد دیجیتال به فرد امکان می‌دهد تا در فضای مجازی به صورت فعال و هوشمندانه عمل کند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری نماید (یونسکو، ۲۰۲۳).

• مدیریت اطلاعات: این مهارت شامل جستجو، ارزیابی، سازماندهی و استفاده بهینه از اطلاعات موجود در منابع مختلف است. مدیریت اطلاعات به فرد کمک می‌کند تا اطلاعات معتبر و مفید را از میان حجم عظیم داده‌ها استخراج کند و از اطلاعات نادرست، تحریف‌شده یا مغرضانه دوری نماید. این مهارت برای تصمیم‌گیری‌های دقیق و آگاهانه ضروری است (پیروروزان و فاضلی، ۱۳۷۶).

تولید محتوا: توانایی خلق و ارائه محتوای متنی، تصویری، صوتی یا ویدیویی به صورت هوشمندانه، هدفمند و متناسب با مخاطب است. تولید محتوا به فرد امکان می‌دهد پیام‌های خود را به شکل مؤثر و جذاب به دیگران منتقل کند و در فضای رسانه‌ای فعال باشد. این مهارت نقش مهمی در مشارکت اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند (اختیاری، ۱۳۸۴).

بعد دینی

بعد دینی سواد شناختی به توانایی‌های مرتبط با درک و تحلیل آموزه‌های دینی و تطبیق آن‌ها با مسائل روزمره اشاره دارد که در جوامع دینی اهمیت ویژه‌ای دارد: بصیرت اسلامی: درک عمیق و روشن از مفاهیم، ارزش‌ها و اصول دین اسلام که به فرد کمک می‌کند در زندگی شخصی و اجتماعی خود تصمیمات درست و مطابق با دین اتخاذ کند. این بصیرت زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقی و اجتماعی متعهدانه است (یونسکو، ۲۰۲۳).

قدرت استنباط: توانایی استخراج احکام و راهنمایی‌های دینی از منابع معتبر مانند قرآن و حدیث با استفاده از روش‌های فقهی و اصولی است. این مهارت به فرد امکان می‌دهد مسائل جدید و پیچیده را با توجه به دین تحلیل و پاسخ دهد و در مواجهه با چالش‌های نوظهور دینی، راهکارهای مناسب ارائه کند (اختیاری، ۱۳۸۴).

• توان تطبیق احکام: قابلیت انطباق و به‌روزرسانی احکام دینی با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، به گونه‌ای که همواره پاسخگوی نیازهای جامعه و فرد باشد بدون آنکه از

اصول دین عدول شود. این مهارت به حفظ پویایی و کارآمدی دین در زندگی معاصر کمک می‌کند (پیروروزان و فاضلی، ۱۳۷۶).

سواد شناختی مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی، رسانه‌ای و دینی است که به فرد کمک می‌کند در دنیای پیچیده و پر از اطلاعات امروز، به صورت هوشمندانه، انتقادی و متعهدانه عمل کند. این سواد، فرد را قادر می‌سازد تا اطلاعات را به درستی تحلیل کند، از تحریفات شناختی جلوگیری نماید، پیام‌های رسانه‌ای را به دقت بررسی کند و در چارچوب دین نیز تصمیمات آگاهانه و متناسب با شرایط اتخاذ کند. به این ترتیب، سواد شناختی نقش کلیدی در توانمندسازی فرد برای مشارکت فعال و مؤثر در جامعه و مقابله با چالش‌های عصر اطلاعات ایفا می‌کند (اختیاری، ۱۳۸۴، یونسکو، ۲۰۲۳، پیروروزان و فاضلی، ۱۳۷۶).

جنگ نرم شناختی: مکانیسم‌ها و راهبردها

جنگ نرم شناختی نوعی جنگ پیچیده و نامحسوس است که با هدف تأثیرگذاری بر ذهن، باورها و رفتار نخبگان و جامعه هدف طراحی می‌شود تا آن‌ها را به سمت تحقق اهداف دشمن سوق دهد. این جنگ برخلاف جنگ سخت، بیشتر بر تغییر ادراک، نگرش‌ها و هنجارهای فکری تمرکز دارد و از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی بهره می‌برد (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱، احمدی و جاویدی، ۱۳۹۸).

ویژگی‌های کلیدی جنگ نرم شناختی:

نامحسوس بودن (تهاجم خزنده): جنگ نرم شناختی به صورت پنهان و تدریجی انجام می‌شود و معمولاً مخاطب متوجه تهاجم نمی‌شود. این ویژگی باعث می‌شود تأثیرگذاری آن عمیق‌تر و پایدارتر باشد، زیرا بدون مقاومت مستقیم و آشکار پیش می‌رود (سراج اندیشه، ۱۳۹۹).

فناوری محور بودن: استفاده از فناوری‌های نوین، به ویژه هوش مصنوعی، در تولید محتوا، تحلیل داده‌ها و هدف‌گیری دقیق مخاطبان، از ویژگی‌های مهم این جنگ است. این فناوری‌ها امکان طراحی پیام‌های سفارشی و تأثیرگذار را فراهم می‌کنند (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

هدف‌گیری نخبگان (شبکه‌سازی): تمرکز بر نخبگان و افراد تأثیرگذار در جامعه برای تغییر نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان، از راهبردهای اصلی است. شبکه‌سازی و ایجاد ارتباطات هدفمند در میان این افراد، زمینه‌ساز نفوذ عمیق‌تر می‌شود (احمدی و جاویدی، ۱۳۹۸).

ابزارهای متداول جنگ نرم شناختی

تولید محتوای گمراه‌کننده: انتشار اطلاعات نادرست، اخبار جعلی و روایت‌های تحریف‌شده برای ایجاد سردرگمی و کاهش اعتماد عمومی به منابع معتبر (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

تحریف مفاهیم دینی: تغییر یا تفسیر نادرست آموزه‌های دینی به منظور ایجاد شک و تردید در باورهای مذهبی و تضعیف انسجام فرهنگی و دینی جامعه هدف (سراج اندیشه، ۱۳۹۹).

جنگ روانی سازمان‌یافته: استفاده از عملیات روانی هدفمند برای تحریک احساسات منفی مانند نفرت، ناامیدی و ترس در جامعه، به منظور کاهش روحیه و انسجام اجتماعی (احمدی و جاویدی، ۱۳۹۸).

شبکه‌سازی ضدتمدنی: ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی و گروه‌های فعال در جهت تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و تمدنی جامعه هدف، به ویژه از طریق فضای مجازی و رسانه‌های دیجیتال (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

جنگ نرم شناختی با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و روش‌های نامحسوس، به ویژه در فضای سایبری، تلاش می‌کند تا با هدف‌گیری نخبگان و استفاده از ابزارهای متنوعی مانند تولید محتوای گمراه‌کننده و تحریف مفاهیم دینی، نظام فکری و فرهنگی جامعه هدف را دگرگون سازد. مقابله با این نوع جنگ نیازمند آگاهی‌بخشی، ارتقای سواد رسانه‌ای و شناخت دقیق راهبردها و ابزارهای دشمن است (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

الگوی اسلامی مقابله با جنگ نرم: مبانی و راهبردها

جنگ نرم به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و نامحسوس‌ترین انواع جنگ‌ها، با هدف تأثیرگذاری بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد و جوامع طراحی می‌شود. مقابله با این

نوع جنگ نیازمند الگویی جامع و منسجم است که بر مبنای آموزه‌های دینی و راهبردهای علمی شکل گرفته باشد. الگوی اسلامی مقابله با جنگ نرم، با تکیه بر مبانی قرآنی و راهبردهای کلان دفاعی و تهاجمی، چارچوبی کارآمد برای حفظ انسجام فرهنگی و فکری جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.

مبانی قرآنی مقابله با جنگ نرم

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی هدایت و راهنمایی مسلمانان، آموزه‌های ارزشمندی در زمینه حفظ وحدت، بصیرت و تحلیل دقیق پیام‌ها ارائه می‌دهد که می‌توان آن‌ها را به عنوان مبانی اساسی مقابله با جنگ نرم در نظر گرفت. وحدت و پرهیز از تفرقه: آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۵) به صراحت بر ضرورت حفظ وحدت و پرهیز از پراکندگی و تفرقه تأکید می‌کند. در جنگ نرم، دشمنان با ایجاد اختلافات و شکاف‌های اجتماعی تلاش می‌کنند تا انسجام جامعه را تضعیف کنند. این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که مراقب این ترفندها باشند و با حفظ وحدت، سد محکمی در برابر نفوذ دشمن ایجاد کنند (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲).

شنیدن دقیق و پیروی از بهترین گفتار: آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/۱۷-۱۸) اهمیت گوش دادن دقیق و تحلیل پیام‌ها را یادآور می‌شود. در مواجهه با جنگ نرم، که پر از پیام‌های گمراه‌کننده و تحریف‌شده است، این آیه به ما می‌آموزد که باید با دقت و بصیرت پیام‌ها را بررسی کرده و بهترین و منطقی‌ترین پاسخ‌ها را انتخاب کنیم (سراج اندیشه، ۱۳۹۹).

راهبردهای کلان مقابله با جنگ نرم

الف) راهبرد دفاعی

راهبرد دفاعی در الگوی اسلامی مقابله با جنگ نرم، بر پیشگیری، شناسایی و مقاوم‌سازی جامعه در برابر تهدیدات نرم تمرکز دارد.

نظام پایش هوشمند: ایجاد سامانه‌های هوشمند و پیشرفته برای رصد و پایش مستمر فضای رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی، به منظور شناسایی زود هنگام تهدیدات نرم و واکنش سریع و مؤثر. این نظام‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی،

امکان تحلیل دقیق داده‌ها و پیش‌بینی روندهای تهدید را فراهم می‌کنند (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

شناسایی تهدیدات: شناخت علمی و دقیق انواع تهدیدات نرم، از جمله تحریفات فرهنگی، جنگ روانی، نفوذ فکری و رسانه‌ای، که زمینه‌ساز مقابله هدفمند و مؤثر است. این شناخت باید مبتنی بر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و تحلیل‌های دقیق باشد تا بتواند راهکارهای مناسب را ارائه دهد (احمدی و جاویدی، ۱۳۹۸).

ایجاد سدهای شناختی: تقویت بصیرت دینی، سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تفکر انتقادی در جامعه، به منظور مقاوم‌سازی ذهنی و جلوگیری از نفوذ پیام‌های مخرب و گمراه‌کننده. این سدهای شناختی با آموزش‌های مستمر و برنامه‌های فرهنگی و تربیتی شکل می‌گیرند و نقش مهمی در حفظ سلامت فکری جامعه دارند (سراج اندیشه، ۱۳۹۹).

(ب) راهبرد تهاجمی

راهبرد تهاجمی در الگوی اسلامی مقابله با جنگ نرم، بر تولید و ترویج گفتمان‌های اسلامی و فعال‌سازی ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی برای مقابله با نفوذ دشمن تمرکز دارد.

تولید گفتمان اسلامی: خلق و ترویج گفتمان‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی که پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشد و جذابیت لازم برای مخاطبان داخلی و خارجی را داشته باشد. این گفتمان‌ها باید توانایی مقابله با روایت‌های تحریف‌شده دشمن را داشته و پیام اسلام ناب را به صورت روشن و جذاب منتقل کنند (کانون مدارس اسلامی، ۱۳۹۷).

شبکه‌سازی جهانی: ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی و فرهنگی در سطح بین‌المللی برای انتقال پیام‌های اسلامی و مقابله با جنگ نرم دشمنان. این شبکه‌ها می‌توانند شامل نهادهای فرهنگی، رسانه‌های اسلامی، دانشگاه‌ها و فعالان اجتماعی باشند که با همکاری و هماهنگی، پیام اسلام را به جهانیان منتقل کنند (محبوب عشرت‌آبادی و شکوری‌مغانی، ۱۴۰۱).

دیپلماسی تمدنی: بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و تمدنی برای معرفی اسلام ناب و مقابله با تحریفات و تبلیغات منفی علیه اسلام. این دیپلماسی می‌تواند از

طریق گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، همکاری‌های علمی و فرهنگی و حضور فعال در مجامع بین‌المللی انجام شود (احمدی و جاویدی، ۱۳۹۸).

الگوی اسلامی مقابله با جنگ نرم، چارچوبی جامع و منسجم است که با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و راهبردهای دفاعی و تهاجمی، به مقابله هوشمندانه و فعال با تهدیدات نرم می‌پردازد. این الگو ضمن حفظ انسجام داخلی و تقویت بصیرت، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی، پیام اسلام را به جهانیان منتقل می‌کند و زمینه‌ساز پیروزی در این عرصه می‌شود. اجرای موفق این الگو نیازمند همکاری همه‌جانبه نهادهای فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای و سیاسی است تا بتواند در برابر جنگ نرم دشمنان ایستادگی کند و جامعه اسلامی را در مسیر رشد و تعالی حفظ نماید (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲).

مدل حکمرانی شناختی اسلامی

مدل حکمرانی شناختی اسلامی چارچوبی جامع و چندسطحی است که با هدف ارتقای ظرفیت‌های شناختی، فرهنگی و مدیریتی جامعه اسلامی طراحی شده است. این مدل بر اساس آموزه‌های دینی و رویکردهای علمی، در سه سطح فردی، نهادی و فراملی به توسعه و تقویت ساختارهای فکری و مدیریتی می‌پردازد تا بتواند در برابر تهدیدات نرم و جنگ شناختی مقاومت کند و جامعه را به سمت تعالی و پیشرفت هدایت نماید.

سطح فردی

در این سطح، تمرکز بر تربیت نیروی انسانی توانمند و متعهد است که بتواند با بهره‌گیری از مهارت‌های شناختی و ایمان فعال، در برابر تحریفات فکری و فرهنگی مقاومت کند. تربیت نیروی انسانی شامل آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، استدلال منطقی، حل مسئله و سواد رسانه‌ای است که فرد را برای تحلیل دقیق اطلاعات و تصمیم‌گیری هوشمندانه آماده می‌کند. تقویت ایمان فعال نیز به معنای ایجاد تعهد درونی و انگیزه برای عمل به آموزه‌های دینی و مقابله با جنگ نرم است که نقش مهمی در حفظ هویت و انسجام فردی دارد (غلامی، ۱۴۰۲).

سطح نهادی

سطح نهادی به طراحی و توسعه ساختارهای سازمانی و آموزشی می‌پردازد که بتوانند ظرفیت‌های شناختی جامعه را به صورت سیستماتیک ارتقا دهند. طراحی نظام آموزشی مقاوم، که بر مبنای آموزه‌های اسلامی و رویکردهای نوین آموزشی است، نقش کلیدی در تربیت نسل‌های آینده دارد. ایجاد مراکز مطالعاتی تخصصی و پژوهشی، به منظور تحلیل و بررسی تهدیدات شناختی و ارائه راهکارهای علمی، از دیگر مؤلفه‌های مهم این سطح است. همچنین توسعه رسانه‌های هوشمند و فعال، که بتوانند پیام‌های اسلامی را به صورت جذاب و مؤثر به مخاطبان منتقل کنند، به تقویت گفتمان اسلامی و مقابله با جنگ نرم کمک می‌کند (قهرمان، ۱۴۰۱، غلامی، ۱۴۰۲).

سطح فراملی

در سطح فراملی، مدل حکمرانی شناختی اسلامی بر گسترش همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی تأکید دارد. ایجاد اتحادیه‌های اسلامی و نهادهای مشترک فرهنگی و علمی، به منظور هماهنگی و هم‌افزایی در مقابله با تهدیدات نرم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای معرفی اسلام ناب و ترویج ارزش‌های اسلامی در سطح جهانی، نقش مؤثری در مقابله با تحریفات و تبلیغات منفی دارد. همچنین همکاری‌های راهبردی میان کشورهای اسلامی در زمینه‌های علمی، فرهنگی و رسانه‌ای، به تقویت جایگاه اسلام در عرصه جهانی کمک می‌کند و زمینه‌ساز مقاومت جمعی در برابر جنگ نرم می‌شود (قهرمان، ۱۴۰۱).

نظریه مقاومت شناختی اسلامی

نظریه مقاومت شناختی اسلامی چارچوبی نظری است که بر مبنای اصول بنیادین دینی و فقهی، راهکارهای عملی مقابله با جنگ نرم و تهدیدات شناختی را ارائه می‌دهد. این نظریه بر سه اصل کلیدی تعقل، بصیرت و مسئولیت استوار است که در قرآن کریم، روایات و فقه اجتماعی به آن‌ها تأکید شده است.

اصول بنیادین

اصل تعقل: تعقل به معنای اندیشیدن عمیق و منطقی است که قرآن کریم بارها به آن اشاره کرده و آن را پایه فهم و شناخت صحیح می‌داند. این اصل، فرد را قادر می‌سازد تا

در برابر اطلاعات نادرست و تحریف شده مقاومت کند و تصمیمات آگاهانه اتخاذ نماید (غلامی، ۱۴۰۲).

اصل بصیرت: بصیرت به معنای شناخت دقیق حقایق و تمیز درست از نادرست است که در روایات اسلامی به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی معرفی شده است. این اصل به فرد کمک می‌کند تا در مواجهه با جنگ نرم، پیام‌های مخرب را شناسایی و از آن‌ها دوری کند (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲).

اصل مسئولیت: فقه اجتماعی بر مسئولیت فرد و جامعه در حفظ ارزش‌ها و مقابله با تهدیدات نرم تأکید دارد. این اصل، ضرورت اقدام حکیمانه، سازمان‌یافته و مستمر را در برابر چالش‌های شناختی یادآور می‌شود (قهرمان، ۱۴۰۱).

شاخص‌های عملیاتی

شاخص آگاهی‌بخشی: ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به تهدیدات شناختی و جنگ نرم از طریق آموزش، رسانه و فعالیت‌های فرهنگی. این شاخص به افزایش شناخت جامعه نسبت به خطرات و روش‌های مقابله کمک می‌کند.

شاخص سازمان‌دهی: ایجاد ساختارها، نهادها و شبکه‌های منسجم برای هماهنگی و مدیریت مقابله با تهدیدات شناختی. این شاخص تضمین می‌کند که اقدامات مقابله‌ای به صورت هدفمند و هماهنگ انجام شود.

شاخص اقدام حکیمانه: اتخاذ تصمیمات هوشمندانه، مبتنی بر تعقل و بصیرت، در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدات. این شاخص نشان‌دهنده توانایی جامعه و نخبگان در پاسخگویی مؤثر و به موقع به جنگ نرم است.

مدل حکمرانی شناختی اسلامی و نظریه مقاومت شناختی اسلامی، چارچوبی منسجم و علمی-دینی برای مقابله با جنگ نرم فراهم می‌آورند. این مدل‌ها با تأکید بر تربیت نیروی انسانی متعهد، طراحی نظام‌های نهادی مقاوم و توسعه همکاری‌های فراملی، ظرفیت‌های شناختی و مدیریتی جامعه اسلامی را تقویت می‌کنند. همچنین با بهره‌گیری از اصول تعقل، بصیرت و مسئولیت، راهکارهای عملی مقابله با تهدیدات نرم را ارائه می‌دهند که می‌تواند جامعه را در برابر جنگ شناختی دشمنان مقاوم سازد و زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی آن باشد.

پیشینه تحقیق

در عصر کنونی، گسترش فناوریهای دیجیتال و تحولات فضای مجازی، عرصه‌های جدیدی از تقابل‌های بین تمدنی را ایجاد کرده است. جنگ نرم، به ویژه در قالب «جنگ شناختی»، به ابزاری استراتژیک برای دشمنان اسلام تبدیل شده است تا از طریق نفوذ در باورها، هویتها و ارزشهای جوامع اسلامی، پایه‌های تمدنی آن را تضعیف کنند. این جنگ با ابزارهایی مانند تحریف مفاهیم دینی، تولید محتوای گمراه‌کننده مبتنی بر هوش مصنوعی، و هدفگیری نخبگان فکری، به دنبال ایجاد اغتشاش در نظام شناختی امت اسلامی است. در این زمینه، پژوهش‌های پیشین در دو حوزه کلی قابل تقسیم‌بندی هستند:

مطالعات داخلی (اسلامی)

پژوهش‌های جهان اسلام عمدتاً بر دو محور متمرکز بوده اند:

گفتمان امنیت فرهنگی-تمدنی:

مطالعاتی مانند «الگوی مقاومت فرهنگی» (مرکز پژوهش‌های مجلس ایران، ۱۳۹۸) بر حفظ هویت اسلامی در برابر تحریف‌های رسانه‌ای تأکید کرده‌اند، اما اغلب به سواد شناختی به مثابه یک نظام یکپارچه نپرداخته‌اند.

پژوهش‌های حوزوی (پژوهشگاه علوم اسلامی قم، ۱۴۰۰) با استناد به مفاهیمی مانند «اجتهاد پویا»، مکانیسم‌های فقهی مقابله با شبهات را بررسی کرده‌اند، اما تعامل این مکانیسم‌ها با فناوریهای نوین را نادیده گرفته‌اند.

تجربه‌نگاری‌های مقاومتی (مانند پژوهش‌های حزب‌الله لبنان، ۲۰۲۱) نشان می‌دهند که آموزش‌های مبتنی بر «عقلانیت جهادی» در خنثی‌سازی پروپاگاندای دشمن مؤثر بوده است، اما این مطالعات فاقد چارچوبی برای تعمیم به سطح تمدنی هستند.

چالش‌های پیشروی مطالعات داخلی

گسست نظری و عملی: تمرکز بر استنادات دینی بدون طراحی مکانیسم‌های تطبیقی با فضای سایبری.

ضعف در نهادسازی: موازی‌کاری نهادهای حوزوی، دانشگاهی، و رسانه‌ای در تولید محتوای شناختی.

غفلت از هوش مصنوعی: عدم توسعه ابزارهای بومی برای رصد و مقابله با محتوای تحریف‌شده.

مطالعات خارجی (غربی)

پژوهش‌های غربی با دو رویکرد غالب انجام شده‌اند:

رهیافت‌های فنی-امنیتی

گزارش‌های ناتو (۲۰۲۲) با عنوان «جنگ شناختی: آینده تهدیدات ترکیبی»، بر استفاده از هوش مصنوعی و مهندسی اجتماعی برای تغییر باورهای جوامع تأکید دارند، اما ابعاد اخلاقی و تمدنی این ابزارها را نادیده می‌گیرند.

مطالعات مؤسسه Rand در سال ۲۰۲۱ با تمرکز بر «تجزیه هویت‌های جمعی»، راه‌کارهای مقابله را در چارچوب لیبرال دموکراسی محدود کرده و ظرفیت‌های دکتربین‌های دینی را نادیده می‌گیرند.

رهیافت‌های روان‌شناختی

نظریه «سواد رسانه‌ای انتقادی» (پاتر، ۲۰۲۰) به‌مثابه راه‌کاری جهانی مطرح شده است، اما از مفاهیم اسلامی مانند «تقوای اطلاعاتی» یا «حکمت» بی‌بهره است. پروژه‌های فناورانه مانند «تشخیص اخبار جعلی با هوش مصنوعی در موسسه MIT در سال ۲۰۲۳ نقش نهادهای دینی در تاب‌آوری شناختی را نادیده می‌گیرند.

محدودیت‌های پژوهش‌های غربی

تقلیل‌گرایی تمدنی: نادیده‌انگاری نقش زیرساخت‌های اعتقادی (مانند نظام وقف) در مقابله با جنگ نرم.

تناقض‌های اخلاقی: استفاده از ابزارهای سانسور تحت شعار دموکراسی، که خود به سرکوب گفتمان‌های مقاومت اسلامی منجر میشود.

خلأهای پژوهشی و ضرورت مطالعه حاضر

پژوهش‌های پیشین از سه جهت اصلی ناکافی هستند:

۱. عدم تلفیق نظریه‌های شناختی با انگاره‌های تمدنی اسلام: مطالعات داخلی اغلب دفاعی و واکنشی‌اند، در حالی که پژوهش‌های غربی فاقد عمق تمدنی و هویتی هستند.

۲. غفلت از نقش هوش مصنوعی در جنگ نسل چهارم: اکثر مطالعات موجود به راهکارهای سنتی بسنده کرده‌اند و به فناوریهای نوین توجه نکرده‌اند.
۳. ضعف در ارائه مدل‌های نهادمحور: نبود چارچوبی برای هماهنگی نهادهای حوزوی، دانشگاهی و رسانه‌ای در سطح فراملی.

نوآوری و تمایز پژوهش حاضر

این پژوهش با پرکردن خلأهای فوق، از سه جهت پیشرو است:

نظری:

ترکیب «عقلانیت توحیدی» (ترکیب عقل، نقل، و شهود) با نظریه‌های شناختی برای طراحی مدل «امنیت وجودی تمدنی» ارائه چارچوب «حکمرانی شناختی سه‌سطحی» (فردی، نهادی، فراملی) به‌منظور یکپارچه‌سازی سطوح تحلیل.

روش شناختی:

تلفیق «تحلیل گفتمان انتقادی متون دینی» (مانند نهج‌البلاغه) با داده‌کاوی فضای مجازی برای کشف الگوهای جنگ نرم. استفاده از روش دلفی نخبگانی با مشارکت فقها، متخصصان هوش مصنوعی، و استراتژیست‌های رسانه‌ای.

عملیاتی:

توسعه سامانه‌های فناورانه اسلامی:

- طراحی «شبکه عصبی مقاومتی» برای پیش‌بینی حملات شناختی بر اساس داده‌های تاریخی (مانند تجربه مقابله با داعش).
- ایجاد «پلتفرم‌های خودمختار شناختی» با قابلیت پاسخگویی خودکار به شبهات مبتنی بر پایگاه‌های اجتهادی.

نهادسازی تمدنی:

- تأسیس «آکادمی‌های سواد شناختی» برای تربیت نیروهای چندمهارتی (حوزوی-فنی-رسانه‌ای).

- پیشنهاد «پیمان دفاع شناختی امت» برای همکاری فراملی نهادهای اسلامی (الازهر، حوزه نجف، دانشگاه امام صادق(علیه السلام)).

این پژوهش با عبور از رویکردهای تک‌بعدی، سواد شناختی را نه به‌عنوان مهارتی انفعالی، بلکه به مثابه «پروژه تمدنی» بازتعریف می‌کند. الگوی پیشنهادی، با ترکیب دانش بومی اسلامی و فناوریهای پیشرفته، گامی نوین در مسیر احیای هویت تمدنی اسلام در عصر دیجیتال است. این مطالعه علاوه بر ارائه راهبردهای عملیاتی، الهامبخش نهادهای جهانی اسلام برای تبدیل تهدیدات شناختی به فرصتهای تمدن‌ساز خواهد بود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین راهبردهای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان طراحی شده است. در مرحله نخست، داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی گردآوری شدند که شامل سه منبع اصلی است: متون اسلامی (قرآن، احادیث، نهج‌البلاغه)، اسناد راهبردی دشمنان (گزارش‌های ناتو، مؤسسه رند و ...)، و تجربیات عملی کشورهای اسلامی مانند ایران، لبنان و مالزی. این اسناد با تمرکز بر مفاهیمی مانند «عقلانیت»، «فتنه‌شناسی»، و «جنگ شناختی» مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ تن از صاحب‌نظران حوزوی، متخصصان هوش مصنوعی، و استراتژیست‌های رسانه‌ای انجام شد تا دیدگاه‌های عملیاتی در طراحی راهبردها استخراج گردد.

در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش‌های کیفی شامل تحلیل مضمونی متون دینی، تحلیل گفتمان انتقادی محتوای فضای مجازی، و تحلیل مقیاس‌های تجربیات کشورهای اسلامی استفاده شد. برای مثال، تجربه «مدارس المقاومة الذهنیه» در لبنان با «پروژه سواد مجازی دینی» در ایران مقایسه گردید تا الگوهای موفق در تقویت سواد شناختی شناسایی شوند. همچنین، محتوای تولیدشده توسط دشمن در پلتفرم‌هایی مانند توئیتر و اینستاگرام با تمرکز بر هشتک‌های ضداسلامی، مورد بررسی گفتمانی قرار گرفت تا مکانیسم‌های تحریف هویت تمدنی آشکار شود.

اعتبارسنجی یافته‌ها از طریق سه‌سوسازی (ترکیب داده‌های اسنادی، مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی) و بازبینی توسط خبرگان (اساتید حوزه و دانشگاه) انجام پذیرفت. علاوه بر این، از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی مانند MAXQDA برای کدگذاری نظام‌مند داده‌ها و شناسایی

الگوهای تکرارشونده استفاده شد. در زمینه ملاحظات اخلاقی، محرمانگی اطلاعات مصاحبه‌شوندگان رعایت گردید و استناد به اسناد با دقت و امانتداری علمی صورت گرفت. خروجی این روش ترکیبی، چارچوبی نظام‌مند را ارائه می‌دهد که تلفیق دانش سنتی با فناوری‌های دیجیتال را ممکن می‌سازد. برای نمونه، تحلیل تطبیقی تجربه لبنان در آموزش «عقلانیت جهادی» و ایران در تولید محتوای تعاملی دینی، نشان داد که راهبردهای موفق مبتنی بر همگرایی نهادهای دانشگاهی و رسانه‌ای هستند. این رویکرد نه تنها الگوهای نظری را پوشش می‌دهد، بلکه با تکیه بر داده‌های میدانی و شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای، راه کارهای عملیاتی برای نهادهای مربوطه طراحی می‌کند. به‌طور کلی، روش‌شناسی این پژوهش، پلی میان نظریه‌های تمدنی اسلام و چالش‌های عصر فضای مجازی ایجاد کرده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مؤلفه‌های جنگ شناختی دشمن

جنگ‌شناختی دشمن مؤلفه‌های مختلفی دارد که روز به روز این مؤلفه‌ها در حال پیچیده‌تر شدن هستند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تحریف مفاهیم دینی و ارائه تفسیرهای انحرافی

دشمنان با بهره‌گیری از روش‌های پیچیده روانشناختی و رسانه‌ای، به تحریف نظام‌مند مفاهیم اسلامی می‌پردازند. این تحریف‌ها در قالب‌های مختلفی انجام می‌شود: تولید و نشر تفسیرهای افراطی از مفاهیمی مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، ارائه قرائت‌های سکولار از دین با هدف جداسازی دین از عرصه اجتماعی و سیاسی، جعل روایات و احادیث برای ترویج باورهای انحرافی، القای شبهات تاریخی درباره سیره معصومین (علیه السلام) و اصحاب پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم)، تبلیغ برداشت‌های نسبی‌گرایانه از احکام شرعی.

به عنوان مثال برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های معاند، جهاد را به خشونت بی‌حد و مرز و بدون رعایت اصول شرعی تفسیر می‌کنند که موجب سوءتفاهم و انحراف در فهم این فریضه الهی شده است. همچنین جعل روایات نادرست درباره سیره امامان معصوم (علیه السلام) در برخی منابع جعلی، نمونه‌ای از این تحریف‌هاست.

به کارگیری فناوری‌های پیشرفته برای تولید محتوای جعلی

جنگ شناختی مدرن از آخرین دستاوردهای فناوری دیجیتال بهره می‌برد: تولید ویدیوهای دیپ فیک از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی، استفاده از هوش مصنوعی برای تولید خودکار محتوای شبهه‌انگیز، طراحی بازی‌های رایانه‌ای با مضامین تحریف‌شده اسلامی، توسعه اپلیکیشن‌های به ظاهر دینی با محتوای انحرافی، ایجاد پلتفرم‌های گفتگوی هوشمند برای ترویج تفکرات انحرافی.

به عنوان مثال انتشار ویدیوهای دیپ فیک از سخنرانی‌های علما که با تغییر صدا و تصویر، مطالبی خلاف واقع به آنها نسبت داده می‌شود و در فضای مجازی دست به دست می‌شود، نمونه‌ای از این فناوری‌هاست.

هدف‌گیری نخبگان و اقشار تأثیرگذار

دشمن با شناسایی گروه‌های مرجع جامعه، برنامه‌ریزی خاصی برای هر قشر دارد: برای اساتید دانشگاه دوره‌های آموزشی ظاهراً علمی با محتوای سکولار برگزار می‌کند، برای طلاب و روحانیون ایجاد تردید در مبانی دینی از طریق شبهات جدید، برای هنرمندان جذب به شبکه‌های هنری غربی با محتوای ضد ارزشی، برای ورزشکاران استفاده از چهره‌های محبوب برای ترویج سبک زندگی غربی، برای فعالان رسانه‌ای تطمیع مالی برای نشر محتوای مورد نظر دشمن.

به عنوان مثال برخی جشنواره‌های هنری با حمایت مالی غرب، تلاش می‌کنند ارزش‌های اسلامی را کمرنگ کنند و سبک زندگی غربی را ترویج دهند. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی با محتوای سکولار برای اساتید دانشگاه، نمونه‌ای از هدف‌گیری نخبگان است.

ایجاد شکاف نسلی و ترویج ارزش‌های متضاد

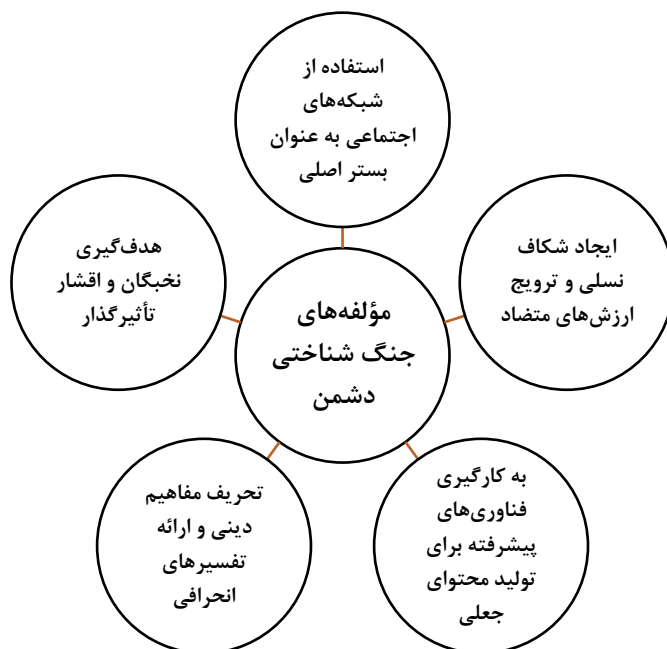
دشمن با بهره‌گیری از روانشناسی اجتماعی به ایجاد گسل‌های فرهنگی می‌پردازد: ترویج فردگرایی افراطی در مقابل ارزش‌های جمعی اسلامی، تقدس‌زدایی از نهاد خانواده و ترویج روابط آزاد، ایجاد تضاد بین نسل‌ها از طریق تبلیغ اختلاف ارزشی، ترویج مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در مقابل ارزش‌های معنوی، عادی‌سازی انحرافات اخلاقی در قالب آزادی‌های فردی.

به عنوان مثال برخی سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که سبک زندگی غربی و روابط آزاد را به عنوان الگو معرفی می‌کنند و در مقابل، ارزش‌های سنتی و خانوادگی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، نمونه‌ای از ایجاد شکاف نسلی است.

استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان بستر اصلی

فضای مجازی به میدان اصلی نبرد شناختی تبدیل شده است: مدیریت الگوریتم‌ها برای ترویج محتوای ضد دینی، ایجاد کمپین‌های هماهنگ برای هجمه به مقدسات، راه‌اندازی گروه‌ها و کانال‌های ظاهراً اسلامی با مدیریت دشمن، استفاده از اینفلوئنسرهای محلی برای نفوذ در جامعه هدف، تحلیل داده‌های کاربران برای طراحی حملات شناختی. به عنوان مثال در برخی شبکه‌های اجتماعی، با استفاده از ربات‌ها و حساب‌های جعلی، مطالبی ضد دین و ضد ارزش‌های اسلامی منتشر می‌شود که به سرعت در میان کاربران پخش شده و موجب تضعیف باورهای دینی می‌گردد. این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که دشمن با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری کلان، به دنبال تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی است. مقابله با این تهدیدات نیازمند طراحی راهبردهای هوشمندانه و همه‌جانبه است.

در شکل ۱ مولفه‌های جنگ شناختی دشمن به صورت شماتیک آمده است.



شکل ۱. مؤلفه‌های جنگ شناختی دشمن

مدل حکمرانی شناختی اسلامی: چارچوبی جامع برای مقابله با جنگ نرم

مدل حکمرانی شناختی در سه سطح قابل تحلیل است.

(الف) سطح فردی (خرد)

توسعه "سواد شناختی ترکیبی" شامل سواد رسانه‌ای دیجیتال پیشرفته، مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیل گفتمان، دانش عمیق معارف اسلامی و توانایی پاسخ به شبهات است. همچنین ایجاد نظام "خودمراقبتی شناختی" با آموزش روش‌های تشخیص محتوای دستکاری شده، تکنیک‌های مقابله با مهندسی ذهن و مکانیزم‌های روانی-دینی مقاومت در برابر شبهات از دیگر اقدامات این سطح است. این رویکرد با تأکید بر ارتقای عقلانیت تهذیب‌یافته و دانش دینی، زمینه‌ساز مقاومت فردی در برابر جنگ نرم می‌شود.

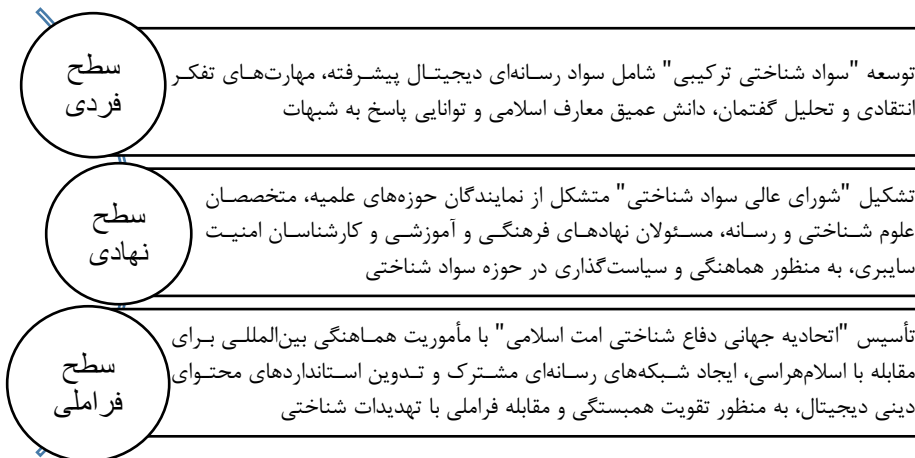
(ب) سطح نهادی (میانی)

تشکیل "شورای عالی سواد شناختی" متشکل از نمایندگان حوزه‌های علمیه، متخصصان علوم شناختی و رسانه، مسئولان نهادهای فرهنگی و آموزشی و کارشناسان امنیت سایبری، به منظور هماهنگی و سیاست‌گذاری در حوزه سواد شناختی. همچنین

راه‌اندازی "سامانه پایش شناختی هوشمند" با قابلیت رصد بلادرنج فضای مجازی، تحلیل گفتمان‌های ضد دینی و شناسایی کمپین‌های جنگ نرم، از جمله سازوکارهای نهادی مقابله است.

(ج) سطح فراملی (کلان)

تأسیس "اتحادیه جهانی دفاع شناختی امت اسلامی" با مأموریت هماهنگی بین‌المللی برای مقابله با اسلام‌هراسی، ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای مشترک و تدوین استانداردهای محتوای دینی دیجیتال، به منظور تقویت همبستگی و مقابله فراملی با تهدیدات شناختی



شکل ۲. مدل حکمرانی شناختی اسلامی

برای موثر بودن مدل پیشنهادی ضروریست موارد زیر در دستور کار قرار گیرد:

۱. تعامل سازنده بین نهادهای حوزوی، دانشگاهی و رسانه‌ای
 الف) همکاری‌های راهبردی: تشکیل "کمیته‌های مشترک پاسخ به شبهات" با ترکیب فقها و متکلمان اسلامی، روان‌شناسان شناختی و کارشناسان رسانه و ارتباطات برای تولید پاسخ‌های علمی و جذاب به شبهات. طراحی "نظام موضوع‌یابی شبهات" با پایش مستمر فضای مجازی و اولویت‌بندی شبهات پرتکرار، از دیگر اقدامات این بخش است.
 ب) برنامه‌های عملیاتی: اجرای "طرح شهید سلیمانی برای تربیت مبلغان دیجیتال" شامل آموزش ترکیبی علوم دینی و مهارت‌های رسانه‌ای، ایجاد شبکه‌های تبلیغی

هوشمند و توسعه پلتفرم‌های پاسخگویی آنلاین، به منظور افزایش اثربخشی تبلیغ و پاسخگویی در فضای مجازی.

۲. چارچوب نظری تلفیقی از مبانی اسلامی و علوم شناختی
 الف) بنیان‌های نظری: توسعه "روانشناسی شناختی اسلامی" با محوریت نظریه "فطرت" در شناخت‌شناسی اسلامی، الگوهای اسلامی مقاومت شناختی و تبیین مکانیزم‌های تهاجم فرهنگی از منظر روایات، به عنوان پایه نظری مدل حکمرانی شناختی.
 ب) مدل‌های عملیاتی: طراحی "الگوی اسلامی مهندسی معکوس شناختی" شامل شناسایی نقاط آسیب‌پذیر فرهنگی، تحلیل روش‌های دشمن در تحریف مفاهیم و تولید محتوای پیشگیرانه و درمانگر، برای مقابله هدفمند با جنگ نرم.

۳. توسعه سازوکارهای اجرایی برای پیاده‌سازی راهبردها
 الف) سازوکارهای نهادی: ایجاد "مرکز فرماندهی عملیات شناختی" با دبیرخانه دائمی هماهنگی بین نهادی، سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری هوشمند و بانک اطلاعات جامع شبهات و پاسخ‌ها، به منظور مدیریت یکپارچه مقابله با تهدیدات شناختی.
 ب) مکانیزم‌های نظارتی و ارزیابی: استقرار "نظام پایش و ارزیابی اثربخشی" شامل شاخص‌های کمی و کیفی سواد شناختی، روش‌های سنجش تغییرات نگرشی و سیستم‌های بازخورد سریع، برای بهبود مستمر عملکرد.
 ج) برنامه‌های توانمندسازی: اجرای "طرح جامع کادرسازی شناختی" با بخش‌های دانشگاه تخصصی علوم شناختی اسلامی، دوره‌های آموزش عالی جنگ نرم و کارگاه‌های مهارت‌افزایی نخبگان، جهت تربیت نیروهای متخصص و کارآمد.
 این مدل حکمرانی با رویکردی پویا و همه‌جانبه، ضمن بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی، بر مبانی اصیل اسلامی استوار است و قابلیت انطباق با شرایط متغیر جنگ نرم را دارا می‌باشد. موفقیت این مدل منوط به تعامل هوشمندانه تمامی اجزا و پایبندی به اصول حکمرانی خوب اسلامی است که بر اساس مبانی مردم‌سالاری دینی، عقلانیت الهی و وحدت امت اسلامی شکل گرفته است.

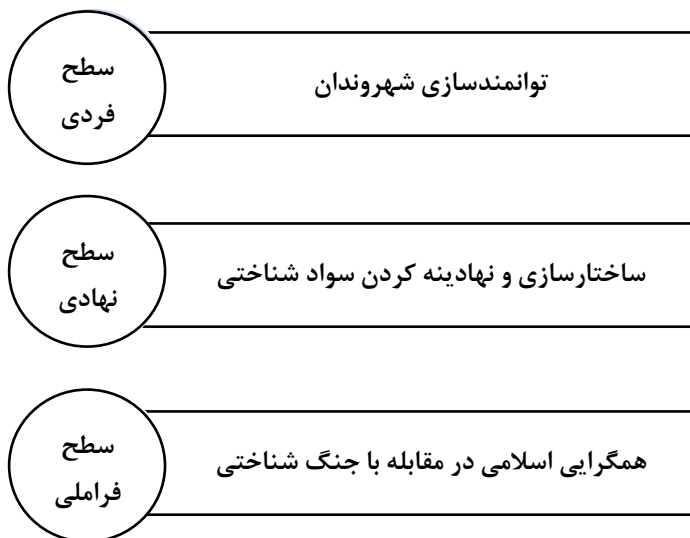
راهبردهای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی

الف) سطح فردی: توانمندسازی شهروندان

توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیل محتوا از طریق اجرای کارگاه‌های آموزشی تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، آموزش روش‌های شناسایی مغالطات منطقی، تقویت توانایی ارزیابی منابع اطلاعاتی و پرورش روحیه پرسش‌گری و تردید سالم در مواجهه با اطلاعات، از جمله اقدامات کلیدی است. همچنین ارتقای سواد رسانه‌ای دیجیتال با آموزش شناسایی حساب‌های جعلی، معرفی ابزارهای تشخیص تصاویر و ویدیوهای دستکاری شده، آشنایی با مکانیزم‌های انتشار اخبار کذب و آموزش اصول امنیت سایبری و حفاظت از حریم خصوصی اهمیت دارد. تقویت بینش دینی و شناخت عمیق معارف اسلامی نیز با برگزاری دوره‌های تفسیر موضوعی قرآن، آموزش پاسخگویی به شبهات دینی رایج و ترویج مطالعه آثار اندیشمندان اسلامی انجام می‌شود. آموزش تشخیص اخبار جعلی و محتوای دستکاری شده با معرفی نشانه‌های خبر جعلی، آموزش استفاده از ابزارهای اعتبارسنجی محتوا و آشنایی با تکنیک‌های روانشناختی مورد استفاده در اخبار کذب، از دیگر راهبردهای این سطح است. این رویکردها با تأکید بر آیات قرآن که مسلمانان را به تحقیق و تدبر در اخبار فرا می‌خواند، مانند آیه ۶ سوره حجرات، همخوانی دارد و بر ضرورت سواد رسانه‌ای متناسب با فرهنگ اسلامی تأکید می‌کند.

ب) سطح نهادی: ساختارسازی و نهادینه کردن سواد شناختی
 ایجاد مدارس فکری و پژوهش‌گه‌های تخصصی جنگ شناختی با تأسیس مراکز مطالعاتی میان‌رشته‌ای (دینی، رسانه‌ای، روانشناختی)، تربیت نیروهای متخصص در حوزه مهندسی شناختی و انجام پژوهش‌های میدانی درباره تأثیرات جنگ نرم، از اقدامات مهم است. طراحی نظام آموزشی مبتنی بر سواد شناختی شامل بازنگری در محتوای درسی مدارس و دانشگاه‌ها، گنجاندن واحدهای درسی تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای، آموزش روش‌های تحلیل گفتمان در متون دینی و رسانه‌ای و توسعه بازی‌های آموزشی هوشمند با محتوای شناختی، به تقویت این سواد کمک می‌کند. توسعه پلتفرم‌های بومی محتوایی مانند شبکه‌های اجتماعی ایمن با معماری اسلامی، اپلیکیشن‌های آموزشی تعاملی و سامانه‌های هوشمند پرسش و پاسخ دینی، و راه‌اندازی مراکز رصد و پایش فضای مجازی با سامانه‌های پایش هوشمند محتوای ضد دینی و تیم‌های تحلیل محتوای تخصصی، از دیگر سازوکارهای نهادی است.

ج) سطح فراملی: همگرایی اسلامی در مقابله با جنگ شناختی
 تشکیل اتحادیه‌های رسانه‌ای اسلامی با ایجاد شبکه‌های مشترک تولید محتوای دینی، راه‌اندازی خبرگزاری‌های بین‌المللی اسلامی، هماهنگی در انتشار پیام‌های دینی در سطح جهانی و تولید برنامه‌های مشترک تلویزیونی و رادیویی، به تقویت همبستگی اسلامی کمک می‌کند. همکاری‌های بین‌المللی شامل برگزاری کنفرانس‌های سالانه کارشناسان کشورهای اسلامی، ایجاد پلتفرم‌های مشترک آموزش سواد رسانه‌ای، تبادل تجربیات موفق و هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای بین کشورهای اسلامی است. همچنین ایجاد شبکه‌های تبادل تجربیات موفق با راه‌اندازی بلنک اطلاعاتی تجربیات موفق کشورها، تشکیل کارگروه‌های تخصصی مشترک پژوهشگران و توسعه برنامه‌های آموزشی مشترک برای نیروهای متخصص، از دیگر راهبردهای کلان است.
 این راهبردها به صورت نظام‌مند و در سطوح مختلف فردی، نهادی و فراملی طراحی شده‌اند تا جامعه اسلامی را در برابر تهاجمات شناختی دشمنان مقاوم سازند. موفقیت این راهبردها منوط به اجرای هماهنگ و پیوسته تمامی بخش‌ها در یک چارچوب جامع است و با تأکید بر آموزه‌های دینی و اصول حکمرانی اسلامی، می‌تواند به حفظ هویت دینی و فرهنگی مسلمانان کمک کند.



شکل ۳. راهبردهای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی

الگوهای موفق در کشورهای اسلامی برای تقویت سواد شناختی

۱. تجربه ایران در ایجاد نهضت تولید محتوای دینی

ایران با تکیه بر زیرساخت‌های انقلاب اسلامی، الگوی موفق در تولید محتوای دینی ارائه کرده است. این کشور سازمان‌های تخصصی مانند "مرکز ملی فضای مجازی" و "شبکه ملی اطلاعات" را تأسیس کرده و نهضت تولید محتوای دیجیتال دینی را با مشارکت هزاران نیروی جوان راه‌اندازی کرده است. پلتفرم‌های بومی مانند ایتا، روبیکا و بیسفون نمونه‌هایی از زیرساخت‌های بومی هستند. در حوزه تولید محتوا، بازی‌های رایانه‌ای با مضامین اسلامی مانند "مبارز راه حق" و انیمیشن‌های دینی مانند مجموعه "پهلوانان" تولید شده‌اند. همچنین کتابخانه‌های دیجیتال تخصصی معارف اسلامی راه‌اندازی شده‌اند. آموزش عمومی نیز با برگزاری دوره‌های سواد رسانه‌ای در مساجد و پایگاه‌های مقاومت، ایجاد مراکز پاسخ به شبهات و تربیت مبلغان دیجیتال در فضای مجازی دنبال می‌شود.

۲. اقدامات ترکیه در توسعه پلتفرم‌های دیجیتال بومی

ترکیه با رویکردی ترکیبی از اسلام میلنه‌رو و ملی‌گرایی، شبکه‌های اجتماعی بومی مانند "BiP" و "Yaay" را توسعه داده و سرویس‌های استریم ویدیوی اسلامی-ترکی مانند "Türk Telekom TV+" را راه‌اندازی کرده است. تولید سریال‌های تاریخی-اسلامی با استانداردهای جهانی مانند "قیام ارطغرل" و توسعه اپلیکیشن‌های آموزش قرآن از دیگر اقدامات است. ترکیه همچنین قوانین سختگیرانه‌ای برای شبکه‌های اجتماعی خارجی تصویب کرده و مرکز مبارزه با اخبار جعلی (Fact-Checking) ایجاد کرده است.

۳. تجربیات مالزی در تربیت نیروهای متخصص رسانه‌ای

مالزی با تأسیس دانشگاه اسلامی بین‌المللی مالزی (IIUM) و راه‌اندازی دوره‌های تخصصی رسانه و جامعه اسلامی، به تربیت نیروهای متخصص پرداخته است. برنامه‌هایی مانند طرح "مبلغان دیجیتال" برای دانشجویان، برگزاری مسابقات تولید محتوای دینی دیجیتال و ایجاد شبکه اینفلوئنسرهای دینی در فضای مجازی اجرا می‌شود. همچنین

مالزی میزبان کنفرانس‌های سالانه رسانه و اسلام بوده و با سازمان‌های اسلامی جهانی همکاری می‌کند.

۴. برنامه‌های اندونزی در آموزش سواد رسانه‌ای

اندونزی با گنجاندن سواد رسانه‌ای در برنامه درسی مدارس، برگزاری کارگاه‌های محله‌ای آموزش تشخیص اخبار جعلی و ایجاد باشگاه‌های سواد رسانه‌ای در مساجد، آموزش عمومی را تقویت کرده است. مشارکت مردمی از طریق گروه‌های واکنش سریع به شایعات، کمپین‌های درست‌سنجی اخبار و سیستم گزارش‌دهی مردمی محتوای مضر، از دیگر اقدامات است. فناوری اطلاعات نیز با توسعه اپلیکیشن‌های موبایلی آموزش سواد رسانه‌ای و استفاده از هوش مصنوعی برای رصد شایعات به کار گرفته شده است.

این تجربیات نشان می‌دهد کشورهای اسلامی موفق در تقویت سواد شناختی رویکردی فعال و پیشگیرانه در فضای مجازی دارند، به توسعه زیرساخت‌های بومی توجه ویژه می‌کنند، آموزش عمومی و تخصصی را همزمان پیش می‌برند، از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای دینی بهره می‌برند و میان سنت و مدرنیته پیوند هوشمندانه برقرار می‌کنند. این الگوها می‌توانند برای دیگر کشورهای اسلامی الهام‌بخش باشند، البته با توجه به شرایط بومی هر کشور.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با بررسی نظام‌مند چالش‌های جنگ شناختی در عصر فضای مجازی و تحلیل راهکارهای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی، به نتایج راهبردی دست یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد سواد شناختی در جهان اسلام نمی‌تواند صرفاً به تقلید از مدل‌های غربی محدود شود. بلکه باید بر پایه «عقلانیت توحیدی» و با تلفیق سه عنصر کلیدی آگاهی انتقادی، دانش رسانه‌ای و بینش دینی بازتعریف گردد. این الگو که در پژوهش حاضر ارائه شده، قابلیت تبدیل شدن به پارادایم غالب در گفتمان مقاومت اسلامی را دارد.

مطالعه تجربیات موفق کشورهایمانند ایران و لبنان ثابت می‌کند که نهادهای سنتی دینی باید با ایجاد سازوکارهای نوین، خود را با شرایط جنگ شناختی هماهنگ کنند. تأسیس «مدارس فکری مقاومتی»، «شتاب‌دهنده‌های فناوری اسلامی» و «شبکه‌های

فراملی رصد شناختی» از جمله پیشنهادهای عملیاتی این پژوهش برای ایجاد این تحول نهادی است.

برخلاف رویکردهای دفاعی مرسوم، این پژوهش ثابت می‌کند که جنگ شناختی می‌تواند به فرصتی برای بازآفرینی گفتمان تمدنی اسلام تبدیل شود. تولید محتوای هوشمند دینی، توسعه بازی‌های رایانه‌ای با مضامین اسلامی و طراحی سیستم‌های هوش مصنوعی فقه‌پویا نمونه‌هایی از این فرصت‌آفرینی هستند.

هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند در برابر جنگ شناختی دشمن مقاومت کند. تشکیل «پیمان دفاع شناختی امت» با مشارکت نهادهای مرجع مانند حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز رسانه‌ای کشورهای اسلامی، پیشنهاد نهایی این پژوهش برای ایجاد اتحاد استراتژیک در سطح جهان اسلام است. این پژوهش مسیرهای جدیدی برای تحقیقات آتی گشوده است. توسعه «هوش مصنوعی اخلاق‌مدار اسلامی»، طراحی «شاخص‌های سنجش سواد شناختی» و مطالعه تطبیقی مکانیسم‌های مقاومت در ادیان مختلف، از جمله زمینه‌هایی است که می‌تواند در تحقیقات بعدی مورد توجه قرار گیرد. چالش‌ها و پیشنهادات اجرایی برای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی به تفکیک به شرح زیر است:

چالش‌ها:

۱. کمبود نیروهای متخصص در حوزه جنگ شناختی: فقدان مراکز تخصصی آموزشی در زمینه مهندسی شناختی اسلامی، نبود برنامه‌ریزی مدون برای تربیت متخصصان چندرشته‌ای (ترکیب علوم دینی و شناختی) و مهاجرت نخبگان حوزه رسانه و فناوری به کشورهای غربی از مهم‌ترین مشکلات است.

۲. ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات: وابستگی به پلتفرم‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی بیگانه، نبود سرورهای قدرتمند داخلی برای میزبانی محتوای بومی و محدودیت در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته به دلیل تحریم‌ها، زیرساخت‌های فناوری را ضعیف کرده است.

۳. ناهماهنگی بین نهادهای متولی: موازی‌کاری نهادهای مختلف فرهنگی و رسانه‌ای، عدم وجود تقسیم کار مشخص بین حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی و

فقدان سازوکارهای هماهنگی بین‌المللی میان کشورهای اسلامی، موجب کاهش اثربخشی اقدامات شده است.

۴. سرعت بالای تحولات تکنولوژیک: ظهور فناوری‌های نوین مانند متاورس و هوش مصنوعی پیشرفته، تغییر سریع روش‌های جنگ نرم و تهاجم شناختی و نیاز به بروزرسانی مستمر دانش و مهارت‌های متخصصان، چالش‌های جدی به شمار می‌رود.

پیشنهادهای اجرایی:

۱. تدوین سند راهبردی ملی سواد شناختی: تشکیل کارگروه‌های تخصصی با حضور علماء، فقها، متخصصان علوم شناختی و رسانه و نمایندگان نهادهای فرهنگی و امنیتی، تعریف اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، شاخص‌های ارزیابی عملکرد و نقشه راه اجرایی.

۲. ایجاد مرکز فرماندهی واحد برای مقابله با جنگ نرم: طراحی ساختار سازمانی منعطف شامل واحد پیش و رصد هوشمند، بخش تولید محتوای راهبردی، دپارتمان آموزش و توانمندسازی و بخش هماهنگی بین‌المللی، مجهز به سامانه‌های هوش مصنوعی پیشرفته، بانک اطلاعاتی جامع شبیهات و پاسخ‌ها و سیستم‌های تحلیل شبکه‌های اجتماعی.

۳. توسعه همکاری‌های بین‌المللی اسلامی: تأسیس اتحادیه جهانی دفاع شناختی امت اسلامی برای ایجاد شبکه ارتباطی بین مراکز علمی کشورهای اسلامی، راه‌اندازی پلتفرم‌های مشترک تولید محتوا، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک و تدوین استانداردهای محتوای دینی دیجیتال.

۴. سرمایه‌گذاری در تولید محتوای جذاب و اثرگذار: اختصاص بودجه ویژه برای تولید بازی‌های رایانه‌ای با مضامین اسلامی، ساخت انیمیشن‌ها و فیلم‌های دینی، توسعه اپلیکیشن‌های تعاملی آموزش معارف، راه‌اندازی استودیوهای حرفه‌ای تولید محتوا و حمایت از استارت‌آپ‌ها، اینفلوئنسرها و هنرمندان متعهد.

راهکارهای تکمیلی

ایجاد صندوق نوآوری‌های شناختی اسلامی برای حمایت مالی از طرح‌های خلاقانه، راه‌اندازی دانشگاه مجازی سواد شناختی با مشارکت کشورهای اسلامی، برگزاری

مسابقات سالانه تولید محتوای دینی دیجیتال در سطح بین‌المللی و توسعه همکاری‌های راهبردی بین حوزه‌های علمیه و مراکز فناوری پیشرفته. این اقدامات با رویکردی جامع و نظام‌مند، ضمن توجه به چالش‌ها، راه‌کارهای عملیاتی برای تقویت سواد شناختی در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد و موفقیت آن‌ها نیازمند عزم ملی، مشارکت مردمی و همکاری‌های بین‌المللی است.

قدردانی

نویسندگان این مقاله صمیمانه از تمامی افرادی که در فرآیند انجام این پژوهش همکاری داشتند، قدردانی می‌نمایند.

منابع

- احمدی، م. و جاویدی، ع. (۱۳۹۸). «جنگ شناختی: مفاهیم، ابزارها و راهبردها». پژوهش‌های علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- اختیاری، حامد (۱۳۸۴). «نقش کورتکس پره‌فرونتال در تصمیم‌گیری‌های خطرناک». پژوهش‌های علوم شناختی.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۴۰۲). «راه‌های مقابله با جنگ نرم از منظر قرآن کریم».
- پیروزان، محمد و فاضلی، علی (۱۳۷۶). «مهارت‌های تفکر انتقادی و استدلال». مجله علوم تربیتی ایران.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۹). تمدن نوین اسلامی. تهران: سروش
- حسینی، سید محمد (۱۴۰۲). جنگ شناختی در عصر فضای مجازی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خانیکی، هادی و همکاران (۱۴۰۱). رسانه و جنگ شناختی. تهران: همشهری.
- رحمانپور، جعفر. (۱۴۰۲). فضای مجازی و هویت اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

- سراج اندیشه (۱۳۹۹). «جنگ نرم چیست و راه‌های شناخت و مقابله با آن»
- سلطانی، فاطمه. (۱۴۰۱). تهدیدات شناختی در فضای مجازی. تهران: انتشارات علوم دفاعی.
- علوی، محسن و رضایی، احمد. (۱۴۰۲). جنگ شناختی در عصر دیجیتال: راهبردها و مقابله. تهران: انتشارات پژوهش‌های اسلامی.
- غفاری، سعید و موسوی، حسن. (۱۴۰۰). جنگ نرم و تمدن اسلامی: چالش‌ها و راهکارها. قم: انتشارات دارالحدیث.
- غلامی، ر. (۱۴۰۲). «معنا و مبنای حکمرانی اسلامی». دانشگاه تهران.
- قهرمان، م. (۱۴۰۱). «نظام مبانی معرفتی و فلسفی حکمرانی اسلامی». فصلنامه دانش راهبردی، شماره ۵۵.
- کاظمی، علی. (۱۳۹۹). تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر جوامع اسلامی. تهران: مرکز مطالعات رسانه.
- محبوب عشرت‌آبادی، م. و شکوری‌مغانی، م. (۱۴۰۱). «جنگ شناختی و هوش مصنوعی: ابعاد و راهبردها». فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۵۵.
- محمدی، رضا. (۱۴۰۱). آموزش مقاومتی و سواد شناختی. قم: پژوهشکده آموزش پژوهی امام خمینی.
- معتمدی، کیومرث. (۱۴۰۱). سواد شناختی و آگاهی رسانه‌ای. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- نجفی، محمد و همکاران. (۱۴۰۰). جهاد دیجیتال: رویکردهای اسلامی به جنگ شناختی. تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.

- نجفی، محمد (۱۴۰۱). سواد رسانه‌ای در جوامع اسلامی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یزدی، ابراهیم و همکاران. (۱۴۰۰). الگوهای حکمرانی اسلامی برای امنیت شناختی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- یونسکو (۲۰۲۳). «تعاریف نوین سواد و سواد رسانه‌ای». سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد.
- Brundage, M., et al. (2018). The Malicious Use of Artificial Intelligence. Future of Humanity Institute.
- Castells, M. (2010). The Rise of the Network Society. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Jenkins, H. (2006). Convergence Culture: Where Old and New Media Collide. New York: NYUPress.
- Nye, J. S. (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics. New York: PublicAffairs.
- Shirky, C. (2008). Here Comes Everybody: The Power of Organizing Without Organizations. London: Penguin Press.
- Vaswani, A., et al. (2017). Attention Is All You Need. Advances in Neural Information Processing Systems.
- Zittrain, J. (2008). The Future of the Internet and How to Stop It. New Haven: Yale University Press.